

تداوم حافظه



دست‌نویس
موسی‌نژاد

بخش ششم | «مثل همان اوایل جنگ، وقتی در وضعیت قرمز آدم بیرون بود و دست به دیوار می‌رفت، تاریکی چنان غلیظ بود که انگار تاریکی می‌پردمان، یا مثل ما دوتا که به پیشواز بچه‌ها رفتیم تا یک ماهی همه باهم یک جا بمانیم و کم‌کم به بچه‌ها بفهمانیم که چرا می‌خواهیم جدا شویم.» («نقشبندان»، هوشنگ گلشیری) در بخش قبلی، به شیوه ارائه گذشته یا همان فلش بک در داستان «یک مسئله موقت» از جومیا لاهیری پرداختیم. در آنجا، بازگشت به گذشته از طریق ذهن یکی از شخصیت‌ها و به شکلی ساده اتفاق می‌افتاد و درکنار آن، با استفاده از دیالوگ‌ها، لاهیری توانسته بود تصویر گذشته را کامل کند. در ادامه، به بررسی همین موضوع در داستان «نقشبندان» از نویسنده فقید ایرانی، هوشنگ گلشیری، می‌پردازیم.

گلشیری شیوه‌ای سخت‌تر و پیچیده‌تر را برمی‌گزیند. شاید بار اول که داستان «نقشبندان» را بخوانید، احساس گیجی و ابهام فراینده‌ای به شما دست دهد. حق هم دارید. دلیش این است که گلشیری در ریخت بندی داستان‌ش از منطقی متفاوت پیروی می‌کند. منطقی درونی که براساس تداعی و عملکرد حافظه کار می‌کند. در داستان لاهیری، شیوه‌ای کلی تگر و با دقتی کمتر پیش گرفته می‌شود، در «یک مسئله موقت»، بازگشت به گذشته صرفا براساس یادآوری یک دوره کار می‌کند؛ راوی گذشته را مرور می‌کند و با روپردی توصیفی-توضیحی آن را به مخاطب ارائه می‌دهد. اما گلشیری عملکرد حافظه را عینا روی کاغذ آورده است و، جسورانه، بدون ترس از کج فهمی یا گنگی، داستان‌ش را شجاعانه سطر به سطر سازمان دهی می‌کند.

به بند اول یادداشت دقت کنید. راوی درحال صحبت درباره جنگ است، و تاریکی در شرایط حاد وضعیت قرمز، همین حالت و تجربه او را به یاد لحظه‌ای می‌اندازد که همراه با شیرین (زنش)، برای دیدن فرزندان‌شان که در غربت و مهاجرت زندگی می‌کنند، رفته بوده اند به اقامتگاهی. تاریکی جنگ و وضعیت قرمز او را به یاد تاریکی ضمنی و عاطفی آن لحظه می‌اندازد که قرار بوده خبر جدایی‌شان را به بچه‌ها بدهند. درعین حال، آن‌ها رفته‌اند تا یک ماه را در کنار هم بگذرانند. درست مانند آدم‌هایی که در وضعیت قرمز خودشان را به پناهگاه می‌رسانند و کنار هم در تاریکی سر می‌کنند. راوی به همین ترتیب داستان را ادامه می‌دهد؛ هر چیزی او را یاد تجربه یا خاطره‌ای (معمولا دردناک) می‌اندازد. با این ترکیب بندی پیچیده، گلشیری یکی از بهترین نمونه‌های داستان سیال ذهن را در سطح جهانی ثبت می‌کند، یکی از یادگارهای همیشگی و جاودانه اش.

کشتی هم باید باشد و آفتابی که حتما سرد و بزرگ بر بالای افق آویخته بود. بچه‌ها هم باید باشند که بالاخره، وقتی شیرین را دیدند، دست تکان دادند. شیرین هم دست تکان می‌داد و حالا در نیویورک صندوق دار فروشگاه لباس بچگانه است و شب با قطار می‌رود...» (همان)

گلشیری، برای ایجاد پیوند بین عنصر اول و عنصر دوم، که ناشی از تداعی و یادآوری است، به شکل‌های مختلفی عمل کرده است. تکنیک‌هایی که او برای پل زدن بین دو لحظه در این داستان کوتاه به‌کار برده است. از نظر تنوع، بدون هیچ اغراقی، از زمان «خشم و هیاهو»، ی فاکتر هم‌گسترده تر است، ظرافت او در اجرای تکنیک هم بسیار پیشرفته‌تر و جلودار تمام‌ای آنارویرچینیا وولف است. در این بند، راوی مشغول ساختن تصویری است که تقلا دارد شاد باشد. اما، مانند آفتاب سرد زندگی او، بی فروغ و بی‌گرماست. در این تصویر، بچه‌ها در مرکز هستند، و همین او را به یاد وضعیت فعلی شیرین در نیویورک می‌اندازد. برای همین، عنصر اول، که بچه‌هاست، به عنصر دوم، که شیرین در فروشنده لباس «بچگانه» است، پیوند می‌خورد. ظرافت‌های زبانی این داستان، یکی از شاهکارهای گلشیری، در این مجال نمی‌گنجد و، بدون بزرگ‌نمایی، حداقل، کتابی باید به آن اختصاص داد.

با احترام عمیق و ایستاده به استاد بزرگ داستان‌نویسی فارسی، هوشنگ گلشیری، یادش جاودانه، روحش در آرامش ابدی.

ایران، مهمان ویژه نمایشگاه کتاب عراق

سخنگو و قائم مقام سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از حضور ایران به عنوان مهمان ویژه نمایشگاه کتاب عراق ۲۰۲۶ خبر داد.

ابراهیم حیدری، با اشاره به حضور رئیس اتحادیه ناشران عراق در «خانه کتاب و ادبیات ایران»، بیان کرد: «با حضور رئیس اتحادیه ناشران عراق، اقدامات نهایی برای جانمایی نمایندگان نشر این کشور در سی‌وششمین دوره نمایشگاه کتاب تهران، به عنوان بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور، درحال پیگیری است.» وی، درباره برخی محورهای گفت‌وگو در دیدار رئیس اتحادیه ناشران عراق، ادامه داد: «در دیدار با اعضای هیئت عراقی و عبدالوهاب راضی، رئیس اتحادیه ناشران عراق، مقرر شد تا ایران به عنوان مهمان ویژه در نمایشگاه ۲۰۲۶ کتاب عراق غرفه داشته باشد.»

سی‌وششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، با شعار «بخوانیم برای ایران»، ۱۷ تا ۲۷ اردیبهشت ماه در مصلاى امام خمینی (ره) برگزار می‌شود.

منبع: ایرنا

انتشار دو ترجمه چینی از مکتوبات هنری فارسی

مجموعه «گزیده‌ای از نظریه‌های هنر شرق باستان» درسی‌امین نمایشگاه کتاب چین رونمایی شد. در میان این مجموعه، دواثر ترجمه شده از فارسی به چینی، «گلستان هنر» و «قانون الصور»، توجه علاقه‌مندان به هنر را به خود جلب کرد.

کتاب «گلستان هنر» تألیف قاضی احمد قمی، مورخ دوره صفوی، است که در آن شرح زندگی خوشنویسان و نگارگران فارسی‌زبان از دوران تیموریان تا صفویان ثبت شده است. علاوه بر این، کتاب به تاریخ خوشنویسی اسلامی، فنون خوشنویسی و اصول و تکنیک‌های نقاشی می‌پردازد.

این اثر اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ خوشنویسی اسلامی، به ویژه هنر خوشنویسی در دوران صفوی، در اختیار محققان قرار می‌دهد.

دیگرکتاب این مجموعه، «قانون الصور»، به نظم است و به مبانی دیدگاه‌های اسلامی درباره نقاشی، تکنیک‌های نگارگری و روش‌های ترکیب رنگ‌ها اختصاص دارد. نویسنده این اثر، صادقی بیگ افشار، یکی از برجسته‌ترین نگارگران خوشنویسان، تذکره‌نویسان و شاعران دوره صفوی ایران بوده است.

منبع: ایلنا

شهریار

۱۰



فرهنگ و ادبیات

علی باقریان

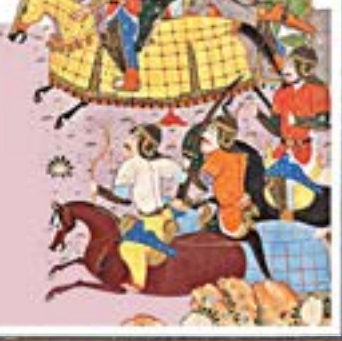
۱

که فرمان دهد^{۱۱} تا سر کتف او ی

ببوسم بمالم بر او چشم و روی

چو ضحاک بشنید گفتار او ی

نهبانی ندانست بازار^{۱۲} او ی^{۱۳}



۱- فرمان دهد: اجازه دهد.

۲- بازار: رفتار، خواست.

۳- ضحاک که سخن ابلیس را شنید به نیت پنهانی او اصلی او پی نبرد.

۴- گزد: کوتاه‌شدهٔ «گیرد».

۵- به او گفت: «من این خواستهٔ تو را برآوردم، تا شاید بدین ترتیب نامت بلند شود و آواز ه و افتخار بیایی.»

۶- از بر: روی، بالای، بر.

۷- سفت: کتف، دوش.

۸- اجازه داد که دیو، چنان که گویی- در نزدیکی- جفت و یار اوست، بر کتفش بوسه بزند.

نگاهی به کتاب «دانش و رامش: شاه‌بیت‌ها و شاهکارهای شاهنامه» که به کوشش حامد مهراد گردآوری شده است

حکمت‌های هزارساله

رامدشن

مرور کتاب

بدیهی است که، اگر اثری مانند «شاهنامه» فردوسی صرفا سرشار از زیبایی‌های زبانی و فنون ادبی بود، مانایی هزارساله نمی‌داشت یا دست‌کم، به دل و ذهن و زبان مردمان اعصار بسیار راه نمی‌یافت. چنان‌که هست- و احتمالا به اثری تقلیل پیدا می‌کرد که محدود بود به کلاس‌های ادبیات و کتاب‌هایی نظری با مخاطبانی خاص و البته اندک شمار. علاوه بر موضوع‌ها و دسته‌های «شاهنامه»، و افزون بر جنبه ملی آن و اهمیتش برای ایرانیان، می‌شود نظامی‌فکری و فلسفی را در این اثر دید. پیگیری اندیشه‌های فردوسی از میان ابیات او ما را به جهان بینی او و آرامشش درباب انسان و جامعه انسانی می‌رساند. از این منظر، فردوسی، نه فقط شاعر، که «حکیم» است، حکیمی که گاه فلسفه‌ورزانه درباب مسائلی مانند مرگ و زندگی، خرد، جوانمردی، راستی، دروغ، خداوند، سرنوشت، داد و بیداد و بسیاری از ویژگی‌های انسان و جوامع انسانی سخن می‌گوید، مسائلی که محدود به زمان و مکان خاصی

نیستند و دیدگاه فردوسی درباب آن‌ها می‌تواند توشه انسان امروزی هم باشد و او را به تأمل وادارد. کتاب «دانش و رامش: شاه‌بیت‌ها و شاهکارهای شاهنامه»، که با کوشش حامد مهراد به انجام رسیده است، اثری است که «شاهنامه» را از این منظر واکاویده است. در این اثر، چنان‌که از عنوانش پیداست، شاه‌بیت‌هایی از «شاهنامه» گزینش شده است که «مفاهیم عمیق حکمی» و نمونه‌هایی از «حکمت و خرد و اندیشه» فردوسی را که در «کالبد باشکوه شعر حماسی» آمده است کنار هم قرار دهد. حامد مهراد، در پیشگفتار کتاب، درباره عناوین و موضوع‌ها و دسته‌های آن‌ها نوشته است: «در این مجموعه، چهل ودو عنوان موضوع، در چهار دسته، کنار هم قرار گرفته‌اند؛ نخست، ارج خرد، راستی، سخن، دانش، دادودادگری، دانایی، بخشش و بخشندگی، فرهنگ و هنر، خداوند، ایران، صلح و مدارا، نیکی، بردباری، دوراندیشی، کوشش، نام نیک، مردمی و انسانیت، میانه‌گزینی، دلیری، دوم؛ پرهیز از خشم، رشک، آزشتاب، دروغ، پیمان شکنی، بدی، تن‌آسانی و کاهلی، خودبزرگ بینی، عیب جویی و هواپرستی؛ سوم، مسائل بنیادینی چون مرگ، ناپایداری جهان، غنیمت شمردن دم،

ارج مدارا

میاراز کس را که آزاد مرد
سر اندر نیارد به آزار و درد

ز گیتی هر آن‌کاو بی‌آزارتر
چنان دان که مرگش زیان‌کارت‌ر

مدارا خرد را برادر بُوَد
خرد بر سر جان چو افسر بُوَد

ارج عاقبت اندیشی

بزرگی که فرجام او بتری است
بر آن برتری بر بیاید گریست

به هنگام شادی درختی مکار
که زهر آوَرَد بار او روزگار

هر آن بر که کاری همان بدروی
سخن هرچه گویی همان بشنوی

پرهیز از خشم

مزن بر کم آواز بانگ بلند
چو خواهی که بختت بُوَد یارمند

بدان کوش تا دور باشی ز خشم
به مردی بخواب از گنه‌کار چشم

چو خشم آوری هم پشیمان شوی
به یوزش نگهبان درمان شوی

پرهیز از آزو طمع

فزونی مجوی آر شدی بی‌نیاز
که درد آَزَدَت پیش و رنج دراز

توانگر شود هرکه خرسند گشت
گل نوبهارش برومند گشت

توانگر کجا سخت باشد به چیز
فرومایه‌تر شد به درویش نیز

در باب مرگ

ز مادر همه مرگ را زاده ایم
بر آنیم و گردن و را داده ایم

شکاریم یک سر همه پیش مرگ
سری زیر تاج و سری زیر ترگ

اگر مرگ داد است بیداد چیست؟
ز داد این همه بانگ و فریاد چیست؟

در ستایش دم غنیمت شمری

غم و کام دل بی‌گمان بگذرد
زمانه دم ما همی بشمرد

نماند به کس روز سختی نه رنج
نه آسانی و شادمانی نه گنج

همه نیکوی باید و مردمی
جوانمردی و خوردن و خرمی

نقش قضا و قدر

بکوشیم و از کوشش ما چه سود؟
کز آغاز بود آنچه بایست بود

چون آید بد و نیک رای سپهر
چه شاه و چه موبد چه بُوَرز جُمهر

به کوشش نیاید بزرگی به جای
مگر بخت نیکش بُوَد رهنمای

آیین شهرپاری و مملکت‌داری

چنین گفت موبد به بهرام تیز
که خون سر بی‌گناهان مریز

دل پادشا چون گراید به مهر
بر او کام‌ها تاز‌ه دارد سپهر

که نفرین بُوَد بهر بیداد‌شاه
تو جز داد مپسند و نفرین‌خواه

پرشش و پاسخ‌های حکیمانه

یکی گفت کاندر سرای سپنج
نباشد خردمند بی‌درد و رنج

چه سازیم تا نام نیک آوری‌م
وز آغاز فرجام نیک آوری‌م؟

بدو گفت شو دور باش از گناه
جهان را همه چون تن خویش خواه

هر آن چیز کائنات نیاید پسند
تن دوست و دشمن در آن برمبند



ببوسید و شد در زمین ناپدید

کس اندر جهان این شگفتی ندید

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

۹۲

۹۳

۹۴

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۱۰۰

شاعر جوان مشه‌دی:

زبان، مرز مشترک شاعران فارسی‌زبان است



فارسی‌زبان با یکدیگر است، گفته است.» این اتفاق به این معناست که زبان مرز مشترکی میان همه ما شاعران فارسی‌زبان است و جدایی ما از هم فقط در مرزهای جغرافیایی رقم خورده و در زبان، عقاید، تفکر، مسلک، آیین و سنت‌ها با هم برابر هستیم و

و اثربخشی چنین برنامه‌هایی بر گسترش میراثی چون زبان فارسی بخش دیگری از صحبت‌های این شاعر جوان را تشکیل داده است. او، با بیان اینکه حضور شاعران فارسی‌زبان از دیگر کشورها در برنامه «سرزمین شعر» بیانگر هم‌بستگی کشورهای

گپ دیگرن

از زمانی که پای برنامه «سرزمین شعر» به تلویزیون باز شد، بحث‌های بسیاری له و علیه آن شکل گرفت و نکات مثبت و منفی زیادی پیرامون آن مطرح شد. قسمت‌هایی از آن هم، به صورت مقطعی، در شبکه‌های اجتماعی حساسی دست به دست و واکنش برانگیز شد. در میان انبوه شاعرانی که در این برنامه شرکت کردند، چهره‌هایی آشنا از خراسان و مشهد نیز به چشم می‌خورند که علی‌سمرقندی، شاعر دهه هشتادی و جوان، نیز در این زمره است. حالا که به تازگی فصل چهارم «سرزمین شعر» به پایان رسیده است، این شاعر، در گفت‌وگویی با خبرگزاری «ایبنا»، درباره نقاط ضعف و قوت این برنامه و تجربه خود از شرکت در چنان فضایی حرف زده است. او، در بخشی از صحبت‌هایش، نقادانه، درباره داوری در این برنامه، گفته است: «از نظر من، داوری‌های برنامه شفافیت زیادی نداشتند. اما درکل داوری شعر کار راحتی نیست، چرا که شعر هنر ساده‌ای نیست و نمی‌شود به راحتی درباره آن نظر داد.» توجه به زبان فارسی و دیگر شاعران فارسی‌زبان،

فاصله‌ای احساس نمی‌شود.»

علی سمرقندی، که از سال ۱۳۹۳، با شرکت در یکی از جلسات شعری در مشهد - که به همت محمدکاظم کاظمی اداره می‌شد - وارد فضای ادبیات شده و سرودن را آغاز کرده است، درباره ارتباط شاعران ایرانی و افغانستانی نیز گفته است: «هم‌بستگی و ارتباط میان شاعران ایران و افغانستان در شهر مشهد بسیار قوی و محکم است. ما، در جلسات شعر مشهد، شاعران زیادی از کشور افغانستان می‌بینیم، و من هم، در گذشته، در جلسات وانجمن‌های ادبی شاعران افغانستان شرکت می‌کردم. از آنجایی که 'سرزمین شعر' یک برنامه ملی است، این هم بستگی و اتحاد میان ما دو کشور را پررنگ‌تر و نمایان‌تر می‌کند. ما، درواقع، همگی با هم پیوند داریم و فاصله‌ای میان هم احساس نمی‌کنیم، اما متأسفانه گاهی رسانه‌ها، به خصوص رسانه‌های اجتماعی، در افکار عمومی مردم شکافی را میان دو دولت ایران و افغانستان ایجاد می‌کنند و تأثیرات بدی بر ذهنیت جامعه می‌گذارند، و این اتفاق بسیار غم‌انگیزی است.»